

آسیب شناسی روش های تربیتی نوجوانان از منظر سوره لقمان

خدیجه نقدیپور^۱

چکیده

در این مقاله، به مطالعه و بررسی آسیب شناسی روش های تربیتی نوجوانان از منظر سوره لقمان پرداخته شده است. تربیت یکی از پایه های مهم و اساسی سعادت و به معنای سازندگی و پرورش شخصیت انسانهاست، یکی از حقوق اولیه فرزندان که بر عهده پدر و مادر است تربیت صحیح می باشد. قرآن کریم یک منشور تربیتی در سوره لقمان ارائه می کند. از منظر لقمان حکیم، مهم ترین روش در تربیت، آموزش توحید و معاد بوده و مهم ترین فضایل اخلاقی نیز در پرتوی تواضع و عدم تکبر است. همچنین لقمان حکیم در زمینه تربیت عملی، به دو بعد فردی و اجتماعی توجه کرده است. در روش پژوهش حاضر با استفاده از روش تحلیل مطالعاتی و بررسی سوره مبارکه لقمان به آسیب شناسی تربیت پرداخته شده است. و نتایجی از قبیل: رعایت مساوات در ابراز محبت به فرزندان، نیاز فطری و طبیعی فرزندان به بازی و سرگرمی های سالم، گذشت و چشم پوشی از خطاهای فرزندان در صورت ندامت و ... به دست آمد.

واژگان کلیدی: تربیت، سوره لقمان، نوجوان

^۱. طلبه سطح دو، مدرسه علمیه حضرت زینب (سلام الله علیها)، ایذه

khNagdi98@gmail.com

مقدمه

خانواده اولین کانون پرورشی و نخستین آموزشگاه کودک است و پدر و مادر اولین مربیانی هستند که نقش مستقیم در تعلیم و تربیت کودک دارند، بخصوص مادر که در هفت سال اولیه زندگی، کودک مهمترین نقش را در پرورش او بعهده دارد. باید دانست همانگونه که اخلاق فردی هر یک از والدین اهمیت بسزائی در تربیت فرزندان دارد اخلاق خانوادگی و جو و فضای کلی محیط خانه نیز در این زمینه بسیار مؤثر است.

اگر جو، خانواده جوی فاسد و فضائی دور از اخلاق اسلامی و انسانی شد، فرزندان نیز متناسب با همین محیط و جو رشد کرده تربیت می شوند و همین مفسد و رذائل اخلاقی را عملاً فرا میگیرند و بعکس اگر محیط و فضای خانه محیطی سالم، انسانی اسلامی و اخلاقی باشد نا خودآگاه اثر وضعی خود را روی فرزندان خواهد گذاشت و آنها از پرورش صحیحی برخوردار خواهند بود.^۱

اغلب والدین سعی می کنند در تربیت فرزندان خود بهترین راه را انتخاب کنند تا آن ها در آینده از جایگاه تحصیلی و شغلی مناسبی برخوردار شوند. قرآن کریم حاوی بزرگترین دستورات اصول، مبانی و روش های تربیتی است که خداوند توسط پیامبر خاتم حضرت محمد (ص) برای هدایت و تربیت انسان ها فرستاده شده است.

اسلام به عنوان آخرین دین آسمانی، در تعالیم خود، توجه ویژه به راهنمایی انسان در بعد تربیت داشته است و تربیت، همواره به مثابه اصل بنیادین و اساسی در سعادت انسان ها، مورد توجه بوده است. از این رو، مهم ترین و اصیل ترین مبانی تربیتی را می توان در قرآن جستجو کرد. زیرا قرآن کلام خدا و برنامه زندگی انسانهاست که از طرف خالق، برای هدایت و رستگاری نازل شده است.

قرآن کریم دربردارنده روایت ها، زندگی نامه ها، پند ها و نصایح زیادی از پیامبران و افراد خاص می باشد یکی از این افراد لقمان حکیم است خداوند روش و شیوه تربیت او را در قرآن کریم، به عنوان الگو و منشور تربیتی برای انسان بازگو نموده است تربیت موفق بر اصول و پایه هایی مبتنی است که شامل: اصل اعتدال، اصل تسامح و تساهل، اصل تدریج، اصل عزت، اصل ارتباط ظاهر و باطن می باشد. لقمان هنگام تربیت و موعظه کردن به فرزندانش مهر و محبت، و شخصیت دادن و احترام نمودن دوری از خشونت و تندى و تحقیر را رعایت می کرد. مواظ و روش لقمان امروزه از نظر عالمان تربیتی از بهترین الگوهای تربیتی محسوب شده که هم موفقیت در حیات دنیوی و همچنین حیات اخروی را در پی دارد.

^۱ بافکار، حسین، کانون مهر (ویژه روز خانواده)، صص ۲۹-۳۰، قم: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۰ه ش.

ذکر حکمت‌های لقمان در قرآن، علاوه بر معرفی و شناسایی یک انسان واقعی، تأیید یک بنده مملوک است و دلالت بر آن دارد که کرامت و شرافت زندگی انسان‌ها به اوضاع مادی و ظاهری نیستند بلکه به تقوای و میزان تقرب آنان به خداوند است.^۱ در این مقاله به آسیب شناسی روش های تربیتی نوجوانان از منظر سوره لقمان می پردازیم و اهمیت این شیوه تربیتی را بررسی می کنیم.

مفهوم شناسی

تربیت: تربیت کلمه عربی، مصدر باب تفعیل است. تربیت از ریشه ربو و ربب در متون اسلامی مانند قرآن و ادعیه به کار رفته است. اصل معنا در ماده «تربیت» سوق پیدا کردن به سوی کمال و دفع نقایص است، فرق نمی کند که از جهت ذاتیات یا عوارض یا اعتقادات و معارف یا صفات و اخلاقیات یا اعمال و آداب متداوله در انسان یا حیوان و نبات باشد. تربیت از ریشه ربو، به معنای بزرگ کردن متربی و پرورش جسمانی اوست.^۲

آقای حسینی در کتاب روانشناسی رشد در معنای تربیت می فرماید: تربیت اصطلاحاً فرایندی پیوسته است که در آن کودک و نوجوان به تدریج مهارت‌ها و رفتارهای مورد نیاز جامعه را می‌آموزد.^۳

اما در تربیت اسلامی همین واژه معنای دیگری به خود میگیرد هر چند سایر معانی را نیز در بردارد. در اسلام، تربیت اسلامی به معنای آموزش و پرورش افراد بر اساس ارزشها، اصول و دستورات دین اسلام است.^۴

و همینطور، تربیت به معنای تکامل و پیشرفت روحی، اخلاقی و عقلی انسان است. مفاهیمی مانند ایمان، تقوا، عدالت، محبت، خشوع و پایبندی به احکام دینی در تربیت اسلامی اهمیت دارند. و اما راغب اصفهانی در کتاب مفردات ألفاظ القرآن در معنای تربیت در بیان معنای "رب" اینگونه آورده است؛ در اصل به معنی تربیت و پرورش است یعنی ایجاد کردن حالتی پس از حالتی دیگر در چیزی تا به حد نهایی و تمام و کمال آن برسد.^۵ نکته مهمی که راغب

^۱ گنجی معصومه، اصول و روش های تربیتی سوره مبارکه لقمان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک، بهار ۱۳۹۱ هـ ش.

^۲ همان

^۳ حسینی، احمد. روانشناسی رشد. ص ۴۵. تهران: سمت، ۱۳۸۹ هـ ش.

^۴ مجتبیوی، مفاهیم تربیت اسلامی، ص ۲۰، انتشارات سمت، ۱۳۸۳ هـ ش.

^۵ اصفهانی راغب، مفردات ألفاظ القرآن، ۱۴۱۲ ق.

اصفهان‌ی در کتاب خود آورده ، معنای تدریجی بودن تربیت است که امری درخور توجه و بسیار مهم است.

سوره لقمان: این سوره سی و یکمین سوره قرآن کریم است تمام آن‌ها طبق گفتار ابن عباس در مکه نازل شده است به جز سه آیه که در مدینه نازل شده است و آن «لو ان ما فی الارض من شجرة اقلام» تا پایان سه آیه می‌باشد. عدد آیات این سوره از نظر اهل حجاز سی و سه آیه می‌باشد و از نظر دیگران سی و چهار است. قراء کوفه الم را یک آیه و قراء بصره و شام مخلصین له الدین را آیه‌ای می‌دانند. در فضیلت این سوره ابی بن کعب از رسول خدا(ص) روایت می‌کند که فرمود: «آن کس که سوره لقمان را بخواند در قیامت لقمان با او دوست بوده و ده برابر اجر آن کس که به خوبی‌ها عمل کرده و از بدی‌ها دوری نموده به او پاداش داده می‌شود.» محمد بن جبیر از پدرش و او از امام باقر(ع) روایت می‌کند که فرمود: «آن که سوره لقمان را در هر شب بخواند خداوند سی فرد از ملائکه را بر او می‌گمارد و تا بصبح او را از شرور شیطان و یارانش حفظ نمایند و اگر در روزش قرائت کند آنان تا غروب از شرور شیطان و یاران آن حفظش خواهند نمود.» سوره لقمان در مجموع پیام توحید و حکمت و معرفت و معاد را بیان می‌کند و فطرت بشری آدمیان را مورد خطاب قرار می‌دهد تا از طریق توجه به نعمت‌های الهی به شناخت و اطاعت او گردن نهاده و به سعادت ابدی برسد. سوره لقمان از سوره‌های مکی است و به مناسبت نام لقمان، که در تمام قرآن تنها دو بار، آن هم در این سوره آمده، «لقمان» نامیده شده است. از جمله شش سوره‌ای است که با حروف مقطعه «الم» آغاز می‌شود. محتوای سوره لقمان را می‌توان در این موارد خلاصه نمود: ۱. بیان عظمت و اهمیت قرآن در هدایت بشر؛ ۲. تقسیم انسان‌ها به نیکوکار و مستکبر و بیان سرنوشت آنان؛ ۳. بیان برخی معجزات علمی قرآن از قبیل قانون جاذبه و زوجیت گیاهان؛ ۴. نصایح و موعظه‌های حکیمانه‌ی لقمان به فرزندش؛ ۵. دلایل ایمان به مبدأ و معاد؛ ۶. بیان علوم اختصاصی خداوند، مانند: زمان مرگ و برپایی قیامت. نکات تربیتی این سوره در حکمت‌های علمی و عملی لقمان بیان شده است که در سفارش‌های لقمان، نه امر، سه نهی و هفت دلیل برای این امر و نهی‌ها آمده است: نه امر: ۱. نیکی به والدین؛ ۲. تشکر از خدا و والدین؛ ۳. مصاحبت همراه با نیکی به والدین؛ ۴. پیروی از راه مؤمنان و تائبان. ۵. برپا داشتن نماز. ۶. امر به معروف. ۷. نهی از منکر. ۸. اعتدال در حرکت. ۹. پایین آوردن صدا در سخن گفتن. و اما سه نهی: ۱. نهی از شرک؛ ۲. نهی از روی گردانی از مردم؛ ۳. نهی از راه رفتن با تکبر. و اما هفت دلیل: ۱. چون شکرگزاری انسان به نفع خود اوست، پس شکرگزار باشید؛ ۲. چون شرک، ظلم بزرگی است، پس شرک نورزید؛ ۳. چون بازگشت همه به سوی اوست و باید پاسخگو باشید، پس به والدین احترام بگذارید. ۴. چون خداوند بر همه چیز آگاه است، پس مواظب اعمال خود باشید؛ ۵. چون شکیبایی از کارهای با

اهمیت است، پس صابر باشید؛ ۶. چون خداوند متکبران را دوست ندارد، پس تکبر نورزید؛ ۷ چون بدترین صداها، صدای بلند خران است، پس صدای خود را بلند نکنید.^۱

نوجوانی: مرحله گذار رشد فیزیکی و روانی انسان است که میان کودکی و جوانی روی می‌دهد. این گذار، تغییرات زیستی (بلوغ جنسی)، اجتماعی، و روان‌شناختی را در بر می‌گیرد، هرچند که از میان این‌ها تنها تغییرات زیستی و روان‌شناختی را می‌توان به آسانی اندازه‌گیری کرد. نوجوانی معمولاً بین ۱۲ تا ۱۸ سالگی تعریف شده است. در سال‌های اخیر، آغاز بلوغ در پیشانوجوانی (پیش از نوجوانی) به نوعی افزایش داشته است (به‌ویژه در دختران، با بلوغ زودهنگام و زودرس)، و نوجوانی گاهی در آن‌سوی سال‌های نوجوانی (به‌ویژه در پسران) امتداد داشته است. این تغییرات تعریفی منسجم از چارچوبه زمانی نوجوانی را دشوارتر ساخته است.^۲

تلاش برای آشنایی با مفهوم نوجوانی و تعریف و تبیین آن نیز از نتایج روان‌شناختی در گستره جدید تمدن است. مطابق یافته‌های روان‌شناختی، نوجوانی مرحله‌ای در چرخه تحول روانی است که پس از کودکی به وقوع می‌پیوندد و دوره تغییرات عمیق و واقعا به منزله دگرگون شدن است. نوجوانی و بخصوص سال‌های اول آن، قبل از هر چیز دوران تغییرات جسمانی، جنسی، روانی و نیز تغییر در الزامات اجتماعی است. علاوه بر تغییر یافتن، نوجوان برای مواجه شدن با مسایل زندگی نیز مجهز می‌شود، این با تصمیم برای اتخاذ وضعیتی مشخص و مستقل از بزرگسالان در موقعیت‌هایی که برای وی به وجود می‌آید، محقق می‌شود. تغییرات فیزیولوژیک و بروز آثار و صفات جنسی ثانوی تنها اتفاق دوران نوجوانی نیست. تحولات و تظاهرات روانی هم در کنار آن به وقوع می‌پیوندد. تغییرات جسمی و روانی باعث متحول شدن شخصیت فرد و شکل‌گیری آن می‌شود. در نتیجه چنین تحولات عمیقی، نوجوان قدم به دنیای درون خود می‌گذارد، قدرت تفکر را درک می‌کند و سازش‌های دوران کودکی را کنار می‌نهد.

در تعاریفی که از نوجوانی به عمل آمده است، گذار (تغییر حالت) از کودکی به بزرگسالی با تغییر شرایط جسمی و روانی مشهود است. دایره‌المعارف بریتانیکا، نوجوانی را به عنوان دوره‌ای بین کودکی و بزرگسالی تعریف کرده است: اصطلاح نوجوانی "adolescence" از کلمه لاتین "adolescere" مشتق شده است که معنای آن رسیدن به بزرگسالی است.^۳

^۱ گنجی معصومه، اصول و روش‌های تربیتی سوره مبارکه لقمان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک، بهار ۱۳۹۱ هـ.

ش.

^۲ ویکی پدیا

^۳ ویکی فقه

یکی از مثال‌های نورانی دیگر علم و دانش است. ما علم و دانش را مستقلاً دارای ارزش نمی‌دانیم بلکه تنها زمانی با ارزش است که چراغ راه خدا باشد. به همین دلیل در برخی روایات، بعضی دانش‌ها را بی‌خاصیت می‌دانند. یا در دعا درخواست می‌کنیم «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ» دانسته‌هایی که حتی قدمی ما را به خدا نزدیک نمی‌کند، هیچ نفعی برای ما ندارد و گاهی ممکن است مضر هم باشد. مثلاً اگر دانش تسلیحات شیمیایی و میکروبی در جهان بشریت وجود نداشت، بهتر نبود؟! پس ما دانش مضر هم داریم. اگر دانش خدایی باشد و ما را به خدا نزدیک کند، این دانش مفید است.

لذا علم نباید در نگاه ما یک ارزش مستقل داشته باشد، این را باید ابتدا خود ما خوب متوجه شویم و بعد به زبان بچگانه به کودکانمان بیاموزیم. اگر به این نکته بسیار مهم توجه نکنیم، اعتقادات ما خدشه‌دار می‌شود. همه هستی از آن خدا است، همه ارزش از آن خدا است، انسان به خودی خود ارزش ندارد بلکه ارزش او به خاطر خدا است؟ تفکر توحیدی این چنین است که اگر بنده خدا باشیم دارای ارزش هستیم. انسان ارزش بالایی دارد، گل سر سبد است ولی به شرطی که خدایی باشد. اگر انسانی ضد خدا شد ضد ارزش می‌شود. و این جزو مبانی اعتقادی ما است.

۲- اخلاص در حوزه دل‌بستگی‌ها و محبت‌ها

ما خدا را باید دوست بداریم. خدا هم ما را دوست می‌دارد. در واقع خدا ما را بیش از خودمان دوست دارد، بیش از پدر و مادر به ما محبت دارد. محبت ما هم باید خدایی باشد. دو محبت ارزشمند است:

محبت خدا: که باید خدا را دوست بداریم.

محبت برای خدا. یعنی ما باید مثلاً پدر و مادر را دوست بداریم چون خدا را دوست داریم، خدا آنها را وسیله رشد ما قرار داده است. حدیثی داریم که نگاه فرزند به چهره پدر و مادر از روی محبت عبادت خدا است. یا اینکه برادر و خواهرهای خود را دوست بداریم، فامیل خود یا بندگان خدا را دوست بداریم و برعکس اگر کسی دشمن خدا بود او را دوست نداشته باشیم. تولی و تبری جزء ارکان عملی دین ما است. یعنی باید خدا و آنچه که خدا او را دوست می‌دارد، دوست بداریم و دشمن خدا را دشمن بداریم. این اخلاص در مقام محبت است.

۳- اخلاص در عمل

تمام کارهای ما باید برای خدا باشد و هرگاه با معصیت خدا مواجه شدیم به خود بگوییم که خدا این را دوست ندارد، پس من نیز روی دلم پا می‌گذارم و این کار را انجام نمی‌دهم. مثلاً گاهی حس خودخواهی در انسان به وجود می‌آید که می‌خواهد بر دیگران برتری بجوید، خدا این را دوست ندارد پس من سراغ این کار نمی‌روم.

پس «يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ»^۱ به این معنی است که مواظب باش کاری را نکنی که خدا دوست ندارد یعنی گناه نکن. چیزی که دشمن خدا است تو هم آن را دوست نداشته باش. برعکس خدا را دوست بدار، بندگان خدا را، مردم را، انسانها را و آنچه که خداوند به آنها توجّه دارد و در زندگی فقط خدا را محور ارزش بدان و بقیّه ارزشها را از او ببین. این توضیحی برای آیه «يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ» است. حالا بیندیشید که چگونه می‌توانیم این حرفها را به بچه‌های خود بیاموزیم؟ باید روی آن فکر کنیم و در هر دوره متناسب با سن او، خدا، اعتقاد به خدا، محبت به خدا و عمل کردن طبق دستور خدا را به بچه‌های خود یاد بدهیم و این محور تربیت ما باشد. اینگونه است که وقتی فرزندان بزرگ شد و به سن جوانی رسید، یک جوان مؤمن و خداترس می‌شود.^۲

نکاتی پیرامون منشور تربیتی لقمان

قرآن کریم از زبان لقمان حکیم یک منشور تربیتی ده بندی را بیان می‌کند. قبل از اینکه به توضیح این ده بند بپردازیم باید به چند نکته در خصوص آن توجّه کنیم. باید بدانیم که این منشور تربیتی چه ویژگی‌هایی دارد که آن را از سایر مکاتب تربیتی متمایز می‌کند.

۱- هدف: اندیشه‌یابی از قرآن

ابتدا باید این نکته را یادآور شویم که در مباحث مطرح شده، هدف ما اندیشه‌یابی از قرآن کریم است. به این معنا که ما باید دقیقاً بدانیم که در تربیت فرزند چگونه می‌اندیشیم، و یا اینکه فرزند خود را به کجا هدایت می‌کنیم. تربیت را از کجا آغاز کنیم و چه موضوعاتی را محور تربیت قرار دهیم. گرچه در ضمن بحث ممکن است روش کار نیز مطرح شود، اما فعلاً می‌خواهیم ببینیم قرآن به ما چه می‌آموزد. در بخش‌های بعدی به دنبال پاسخ به سؤالات و حل چالش‌ها خواهیم بود.

۲- تربیت در قرآن، از زبان لقمان

نکته دوم اینکه قرآن کریم این ده منشور را از زبان لقمان بیان می‌کند ولی در مقام تأیید مباحث است. اینگونه نیست که لقمان مسائلی را مطرح نموده باشد و اکنون قرآن یک گزارش تاریخی ارائه دهد. بلکه سیاق بحث به گونه‌ای است که مخاطب حس می‌کند خود قرآن در حال حاضر این نکات تربیتی را بیان می‌کند.

۳- تلطیف زبان تربیت در قرآن

^۱ لقمان: ۱۳

^۲ سایت ایمانو، تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۹/۲۵ ه.ش.

نکته سوم اینکه لقمان حکیم توصیه‌های تربیتی خود را با عبارت «یا بُنَیَّ» شروع می‌کند. از این نکته می‌توان دریافت که اولاً تربیت باید با عاطفه همراه باشد. از لفظ «بُنَیَّ» نیز یک حس عاطفی لطیف برداشت می‌شود. ثانیاً شاید بتوان نتیجه گرفت که لفظ «یا بُنَیَّ» با سن فرزند لقمان ارتباط دارد. ممکن است که او در دوران کودکی یا نوجوانی بوده و سیاق بحث نیز همین را می‌رساند. چرا که مثلاً از مسأله زکات سخنی گفته نمی‌شود، چون یک کودکی و نوجوان هنوز تکلیفی در خصوص زکات ندارد.

۴- بیان اصول دائمی

نکته چهارم اینکه قرآن عبارات خود را اینگونه آغاز می‌کند: «وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ». ممکن است در نگاه اول اینگونه به نظر بیاید که یک بار حضرت لقمان فرزند خود را مقابل خود نشاندند و این بحث‌ها را گفتند و رفتند. اما وقتی دقت می‌کنیم، می‌بینیم سیاق بحث چنین نیست. قرآن یک سیر تربیتی را از زبان لقمان حکیم مطرح می‌کند. زیرا تربیت یک فرایند لحظه‌ای و مقطعی نیست. معلوم می‌شود که این روش همیشگی لقمان بوده و او این ده مسأله را به تناسب زمان و سن، به فرزند خود می‌آموخته است. بنابراین این دستور العمل‌ها و روش‌ها، اصولی همیشگی برای تربیت هستند.

۵- اهمیت ترتیب در تربیت

نکته پنجم که بسیار مهم است ترتیب ابعاد تربیتی است. توضیح اینکه معمولاً پدر و مادرها و حتی متدینین تربیت فرزند خود را از خدا شروع نمی‌کنند، معمولاً در ابتدا آداب اجتماعی را به آنها می‌آموزند. مثلاً می‌گویند با بزرگتر درست حرف بزن، دست بده، احترام کن. ولی اولین سخن لقمان این است که «یا بُنَیَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ»؛ پسر من با خدا صاف و خالص باش، در برابر خدا گناه نکن و امثال اینها.

۶- تربیت در قرآن گام به گام است

نکته ششم آن است که این ده فرمان روند منظمی از یک روش تربیتی ساختارمند از دوره کودکی تا جوانی است. بنابراین در تربیت، هر سنی اقتضایی دارد. مثلاً اگر بحث نماز است باید بدانیم که از چه سن و سالی آموزش آن را شروع کنیم. یا اینکه در هفت سالگی فرزند ما در تربیت دینی یا اجتماعی باید به کجا رسیده باشد، در ده سالگی باید به کجا برسد و الی آخر. اما در اینجا تنها کلیاتی گفته می‌شود و جزئیات مباحث به طور مفصل در دوره مجازی مستقلاً با عنوان «تربیت فرزند» توسط استاد تراشیون ارائه خواهد شد.

۷- عملکرد والدین عامل اصلی تربیت

و نکته آخر اینکه درست است که این چند فرمان در خصوص فرزندان بیان شده، اما در درجه اول برای والدین است. یعنی خود والدین ابتدا باید با خدا خالص باشند و با نماز رابطه خوبی داشته باشند آنگاه این مسائل را به فرزندان خود نیز آموزش دهند. چرا که آموزش در خانواده در درجه اول توسط پدر و مادر به صورت عملی و الگو برداری است، بعد با بیان و تذکر. چرا که اثر عمل بیشتر از اثر بیان است.

نتیجه گیری

امروزه، انسان به دلیل غرق شدن در امور مادی و دور شدن از مسیر اخلاقی و نپرداختن به تربیت و تهذیب، دچار گسترش فساد، قتل و غارت، بی عدالتی و دیگر رذایل اخلاقی شده است. والدین اگر می‌خواهند که فرزندان معتقد و دینداری تربیت نمایند؛ ابتدا باید خود الگویی شایسته و خوب در این زمینه برای آن‌ها باشند. به دستورات و تعالیم دینی عمل کنند. در دوران کودکی، فرزندان‌شان را با نماز و مجالس و محافل مذهبی مأنوس سازند و سعی کنند که خاطرات خوشی را در ذهن آنان به‌وجود آورند و از سخت‌گیری با آن‌ها بپرهیزند و با تذکر روش‌های صحیح، این فطرت را در وجود آنان بیدار سازند و آن‌ها را به طرف پذیرش دین سوق دهند.

بنابراین جهت برون رفت از این نابسامانی‌ها باید دست به کار اساسی و بنیادین زد. یعنی باید به قرآن مراجعه کرد. قرآن به عنوان یکی از اصلی‌ترین مصادر رشد و تعالی فکری و معنوی برای تربیت انسان است، به ویژه سوره ی لقمان که مملو از آموزه‌های تربیتی در ابعاد گوناگون می‌باشد. در این مقاله سعی شد آسیب‌شناسی تربیتی در این سوره مبارکه لقمان بررسی شود که ضمن معرفی حقانیت و جامعیت موضوعات قرآنی بستر مناسبی را در جهت تربیت دینی ایجاد می‌کند. و از نتایج حاصله عبارت‌اند از:

رعایت مساوات در ابراز محبت به فرزندان

نیاز فطری و طبیعی فرزندان به بازی و سرگرمی‌های سالم

نشان ندادن راه‌های انحراف به فرزندان

گذشت و چشم‌پوشی از خطاهای فرزندان در صورت ندامت و

منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. اصفهانی راغب، مفردات ألفاظ القرآن، ۱۴۱۲ق.
۴. بافکار، حسین، کانون مهر (ویژه روز خانواده)، صص ۲۹-۳۰، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۰هـ ش.
۵. حسینی، احمد. روانشناسی رشد. ص ۴۵. تهران: سمت، ۱۳۸۹ هـ ش.
۶. سایت خبرگزاری دانشجو، کد خبر: ۲۳۶۳۸۳، تاریخ انتشار: ۱۰:۲۹ - ۰۷ اردیبهشت ۱۳۹۲، تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۹/۲۵ هـ ش.
۷. مجتبوی، مفاهیم تربیت اسلامی، ص ۲۰، انتشارات سمت، ۱۳۸۳ هـ ش.
۸. گنجی معصومه، اصول و روش های تربیتی سوره مبارکه لقمان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک، بهار ۱۳۹۱ هـ ش.
۹. سایت خبرگزاری بین المللی قرآن، کد خبر: ۳۲۵۷۱۷۳، تاریخ انتشار: ۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۴ - ۱۰:۰۷، تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/آذر/۲۵ هـ ش.
۱۰. سایت ایمانو، تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۹/۲۵ هـ ش.
۱۱. سایت ویکی پدیا
۱۲. سایت ویکی فقه